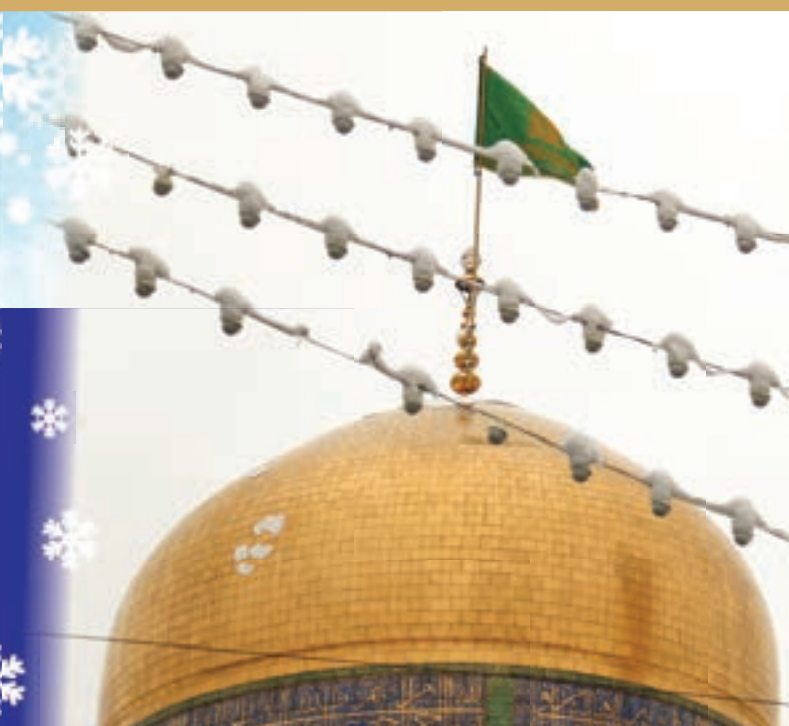


حرم سپیدپوش، خاطرات نابی را در ذهن زائران ثبت کرد

ردپای زیارت در برف

فتحی/موسوی | یکی از صحنه‌های زیبایی که با شروع برف امسال رقم خورد، جاماندن رد پاهایی بود که به حرم می‌رسید. هرچند زیارت در حالی که دانه‌های سفید برف هوا را پر کرده است و قدم زدن در صحن‌ها همراه با شنیدن صدای کوبیده شدن برف در زیر پاها، برای مشهدی‌ها ناآشنا نیست، به نظر می‌رسد این دانه‌های سپید برای بعضی‌ها هیجان بیشتری دارد؛ از جمله برای زائران عرب‌زبانی که در دیار خودشان هیچ وقت با چنین صحنه‌ای روبه‌رو نشده‌اند و حالا کنار گنبد امام رضا(ع) این حس زیارت تجربه می‌کنند. تصمیم گرفتیم با زائرانی که با این برف بیگانه بودند و حس و حال زیارت برایشان متفاوت است، هم صحبت شویم. این زائران بیشترشان از کشورهای عربی به ایران آمده بودند، جایی که خیلی بعید است برف و سرما را در آنجا تجربه کنند.



زیارت همیشه خوب است، در سرما بهتر

علاوه بر زائران کشورهای عربی، تعداد زیادی از هم وطنان خودمان هم تاکنون در شهر خودشان برف را تجربه نکرده‌اند. این موقع سال که فصل امتحانات بچه‌هاست، کمتر زائری را می‌بینیم که همراه فرزندش در حرم باشد، اما پسرعموهای خانواده محمدزاده زورشان به بزرگ‌ترها رسیده و از خوزستان راهی مشهد شده بودند. با اینکه طبق آمار هواشناسی می‌دانستند قرار است بارش زمستانی داشته باشیم، با دیدن این حجم زیاد برف شگفت زده شده بودند. هردو پسرعمو رضا نام داشتند و عشق به امام رضا(ع) را از همین نام‌گذاری در خانواده‌شان متوجه شدیم. پیش‌تر در خرم‌آباد برف رادیده بودند، اما زیارت مشهد هر سال به تابستان می‌افتاد و لذت برف بازی در مشهد را تجربه نکرده بودند. رضا با اینکه کلاس یازدهم است، وقتی هواشناسی از بارش برف خبر داده، نتوانسته از حرم برفی بگذرد و طوری برنامه‌ریزی کرده است که پیش از شروع امتحانات برگردد. او گفت: هر سال برای برف بازی به کردستان یا خرم‌آباد می‌رویم، اما تجربه برف در مشهد، کنار حرم امام رضا(ع) صفای دیگری دارد. پسرعموی کوچک‌تر، همان‌طور که با بخار هوای جلوسورتش بازی می‌کرد، با شیرین‌زبانی گفت: قبل خیلی کوچولو بودم که در مشهد برف دیدم. سفر به مشهد همیشه خوب است، ولی موقع برف بهتر است. با اینکه سرما می‌خورم، راه رفتن روی برف‌های صحن حرم خیلی خوش می‌گذرد. آقا حرم با خنده پسر خودش و برادرزاده‌اش را همراهی می‌کرد و گفت: در همه جاده‌های مسیر برف و باران بود، اما به خاطر اینکه بچه‌ها تجربه شیرین دیدن حرم را در زمستان داشته باشند، در برف نکرديم و راه افتاديم.



مشهد برفی در صفحات مجازی

دور زدیم تا رسیدیم به صحن آزادی. دو خواهر با ذوق گوشی به دست گرفته بودند و از نمای برفی عکس می‌گرفتند. از ظاهرشان که نه، ولی از زبان‌شان متوجه شدیم ایرانی نیستند. از کرپلا آمده و تاکنون آنجا چنین برفی ندیده بودند. این راسید عباس اشعری، خادم حرم که مترجمان شده بود، گفت، زینب و مریم میاچی، دو خواهری که به عشق دیدن برف و باران هر سال زمستان را برای زیارت انتخاب می‌کنند، با دیدن برف امسال ذوق زده شده بودند و هر جا کمی برف می‌دیدند، بازی را شروع می‌کردند. مریم گفت: از وقتی یاد می‌آید، هر سال با خانواده به مشهد می‌آیم و همین جادر مشهد برف را زیاد دیده‌ام. اما برای دوستانم که تا حالا به مشهد نیامده‌اند، دیدن فیلم و عکس برف خیلی جالب است. دو خواهر عراقی از هر فرصتی برای برف بازی استفاده می‌کردند. به سمت برف‌های جمع شده در وسط صحن رفتند و دست در برف‌ها برده بودند و با فیلم گرفتن از حس و حالشان و انتشار آن‌ها در صفحات فضای مجازی، می‌خواستند دوستانشان را در لحظه لحظه این حس خوب شریک کنند. زینب گفت: هر وقت عکس‌ها را در فضای مجازی می‌گذاریم، همه با ذوق نگاه می‌کنند و امید دارند که بتوانند به ایران بیایند و خودشان از نزدیک برف را ببینند. سید عباس اشعری از ذوق آن‌ها خنده‌اش گرفت و گفت: مادر حرم با این صحنه‌ها غریبه نیستیم، چون در عراق از بغداد به پایین و از سامرا به بالا خبری از برف نیست و زائران عرب برای دیدن باران و برف مشتاق‌اند.



از سرما لرزیدیم، ولی زیارت چسبید

نماز ظهر یکی دو ساعت پیش تمام شده بود. برف آرام می‌بارید و صحن جمهوری ساکت‌تر از همیشه بود. یک‌هوا فرش آویزان از ورودی زنانه که تکان خورد. یک کاروان خانم عراقی سن و سال دار بیرون آمدند که مثل هر کاروان دیگری عجله داشتند. کاروان‌ها تابستان و زمستان و همیشه خدا عجله دارند، چون پول کمی از زائران گرفته‌اند. در نتیجه، وقت کم دارند و باید به همه جا برسند و همه چیز را ببینند و همه کارهایشان را هم بکنند. اسمشان عفاف و راحه بود و خیلی هم عجله داشتند. بخارا از دهانشان بیرون می‌زد، اما نگهشان داشتیم. بعد که ایستادند و خیالشان راحت شد که به کاروان می‌رسند، از برف پرسیدیم و اینکه آیا تا به حال برف را از نزدیک دیده‌اند؟! خیلی قاطعانه گفتند نه و این اولین بار بود که در اولین سفرشان به مشهد برف می‌دیدند. از آن طرف، چیزی که روشن بود و خیلی برایشان تازگی داشت، لرزیدن از سرما بود و شر خوردن روی زمین و پوشیدن لباس گرم. پرسیدیم می‌دانستند که مشهد برفی است و هوا سرد؟ اصلاً پیش از آمدن آب و هوا را بررسی کرده بودند؟ خندیدند و گفتند بررسی کرده بودند، اما انتظار چنین برفی را نداشتند. حالا هم داشت به آن‌ها خوش می‌گذشت و این هوا خیلی برایشان مطبوع بود و دلپذیر. بعد گفتند آنجا، توی عراق، در این مدت، یکی دو بار بیشتر باران نباریده، ولی برف مثل یک رؤیاست و بعد می‌دانند تا آخر عمر، به چشم خودشان، برفی در وطنشان باران و آن‌ها ببینند اش باشند.